

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۶

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود  
سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۱

## نقش مهدویت در وحدت و همگرایی جهان اسلام

حسین الهی نژاد<sup>۱</sup>

سیدحامد شاهرخی<sup>۲</sup>

### چکیده

بر اساس آیات و روایات و نیز تجربه بشر در طول تاریخ، اتحاد و همگرایی دو عامل مهم و مؤثر در ساماندهی و رساندن جامعه به سوی مقصود و هدف خود هستند؛ و در پرتو آنها همواره پیشرفت و شکوفایی و عزت و اقتدار و خلاقیت و در نهایت به حاکمیت بر زمین نائل خواهند گشت، در نقطه مقابل، فقدان این دو عامل در جامعه باعث خودبرتربینی و بروز تعصبات قومی و فرقه‌ای و پراکندگی و سلب نعمت از آنان و در نهایت به ذلت و استعمار مبتلا خواهند شد.

پس جایگاه اتحاد و همبستگی در جهت دهی جامعه به سوی پیشرفت و تعالی، جایگاه مهم و خطیری است. هرچه اتحاد میان مردم بیشتر باشد، حرکت مردم به سوی جامعه مطلوب سرعت بیشتری می‌یابد. اتحاد، در بسترها و زمینه‌های گوناگونی قابل توجیه است؛ زیرا گاهی بر اساس باورها شکل می‌گیرد و گاهی بر اساس ملیت و نژاد قابل پی‌گیری است و زمانی هم وطن و جغرافیا این نقش را ایفا کرده و مردم را به سوی اتحاد و همدلی حرکت می‌دهند.

در نتیجه اتحاد دارای بسترهای مختلفی است که با رویکردهای اعتقادی، اجتماعی، نژادی، جغرافیایی و... توجیه می‌شود. یکی از آن بسترها،

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hosainelahi1212@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

باورداشت مهدویت و مؤلفه‌های اساسی و مشترک آن همچون اصل ظهور و انتظار و حتمیت آنها و نام و اوصاف امام مهدی و نسب ایشان و حکومت جهانی، گسترش عدالت و دیگر مؤلفه‌ها است که مورد قبول همه گروه‌های اسلامی بوده و سوژه مناسب و مهمی برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد. لذا این پژوهش با بیان و تمرکز بر برخی از مؤلفه‌های وحدت بخش به نقش آنها در همگرایی معتقدان به این باور اصیل اسلامی پرداخته است و در صدد پاسخ به این پرسش اساسی است که مهدویت در همگرایی جهان اسلام چه نقشی دارد؟

### واژگان کلیدی:

مهدویت، وحدت، همگرایی، جهان اسلام.

### مقدمه

از دیرباز، موضوع وحدت اسلامی، گفتمان رایج میان مسلمانان بوده است. رهبران دین در گروه‌های اسلامی، با عنایت به اهمیت و اثر وحدت، علاوه بر توصیه‌های گفتاری، در عمل نیز بدان ملتزم بوده‌اند. کتاب‌های حدیثی و تاریخی که سرشار از احادیث و جملات وحدت بخش است، از اهتمام پیشوایان دینی به مسئله اتحاد و همدلی میان مسلمانان حکایت دارد. در این زمینه رسول خدا ﷺ فرموده است:

بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد؛ کسی که انس بگیرد و با دیگران مانوس نشود، خیر ندارد (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۴۶۲).<sup>۱</sup>

پیشرفت و ترقی جامعه، در گرو اتحاد و همدلی است. جامعه‌ای که می‌خواهد به سوی تکامل و ترقی حرکت کند، به یقین، مردم آن جامعه، در امور اجتماعی، یکدل و یک‌رنگ هستند؛ پس ترقی منهای اتحاد معنا ندارد و اتحاد نیز ثمره‌ای جز پیشرفت ندارد. از آنجا که دین اسلام، در جایگاه آخرین دین آسمانی دو شاخصه جامعیت و کمال را همراه دارد، لازم است به همه سطوح زندگی بشر - اعم از فردی و اجتماعی - نظر داشته، برای رشد و تعالی انسان‌ها برنامه و راهکارهای مناسب ارائه بدهد، از طرفی همیشه بهترین و کامل‌ترین برنامه، برنامه‌ای است که فایده‌اش بیشتر باشد و افراد بیشتری از آن سود ببرند. بر همین اساس است که اسلام، مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده، در دوران امر میان

۱. عن علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: ... خیر المؤمنین من كان مألّفه للمؤمنین، و لا خیر فیمن لا یألّف و لا یؤلف (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۲).

منفعت اجتماعی و منفعت شخصی، حق را به منفعت اجتماعی می دهد. نیز از آنجا که غالب تعالیم روح بخش اسلامی، به نحوی با اجتماع و جامعه مسلمانان گره خورده است اسلام به اجتماع و جامعه اسلامی اهتمام ویژه ورزیده، برای حفظ آن از تدوین هیچ قانونی فروگذار نکرده است.

بی شک ترابط میان اجتماع و اتحاد، ارتباطی وثیق و ناگسستنی است. بر همگان روشن است که اجتماع منهای اتحاد، یعنی افتراق و جدایی؛ پس نمی توان حرف از اجتماع و جامعه زد و اتحاد را همراه آن ندید. بر این اساس، می توان سیاست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در ایجاد وحدت و برادری میان اصحاب خود، توجیه کرد:

به خاطر خدا پیمان اخوت ببندید و دو به دو با هم برادر باشید (هاشمی خوبی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۵، ۱۴۹).<sup>۱</sup>

نیز آن حضرت، برای حفظ جماعت مسلمانان فرمودند:

هر کس از صف جماعت مسلمانان رویگردان شود، عدالت او نابود می شود (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۲۴۱).<sup>۲</sup>

جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان سیره و روش ایشان را ادامه دادند و در این راه از هیچ کوششی - اعم از گفتاری و عملی - فروگذار نکرده اند. چنان چه امام صادق علیه السلام در کیفیت معاشرت با اهل سنت می فرماید:

با آنها نماز گزار؛ زیرا هر کس در نماز جماعت آنان شرکت کند، مانند این است که با شمشیر برهنه در جهاد فی سبیل الله شرکت کرده است (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۳، ۲۲۷).<sup>۳</sup>

پس، از منظر اسلام و پیشوایان دینی، اتحاد و همگرایی مسلمانان، دارای جایگاه والا و مهمی است و لازم است همه مسلمانان در این امر شرکت کنند تا اتحاد و همدلی در جامعه اسلامی حکم فرما شود.

البته مقصود از وحدت، وحدت شیوه های فقهی و اجتهادی نیست؛ کما این که مقصود از

۱. ... تأخوا فی الله أخوایین أخوایین... (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۵، ۱۴۹؛ ابن هشام حمیری، بی تا: ج ۲، ۳۵۱).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا غَيْبَةَ إِلَّا لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَرَغِبَ عَنِ جَمَاعَتِنَا وَمَنْ رَغِبَ عَنِ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ وَجَبَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ غَيْبَتُهُ وَسَقَطَتْ بَيْنَهُمْ عِدَّتُهُ وَوَجِبَ هِجْرَانُهُ... (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۲۴۱).

۳. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا إِسْحَاقُ أَتُصَلِّيَ مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ صَلَّى مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّيَ مَعَهُمْ فِي الصَّبِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَبْقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۲۲۷).

آن، برتر قرار دادن مذهبی بر مذهب دیگر یا ادغام مذاهب در یکدیگر و قرار دادن آن‌ها به صورت یک مذهب یا تأسیس مذهب جدید نیست؛ بلکه مقصود از میان ابعاد وحدت، تنها در دو بُعد وحدت است: یکی بُعد سیاسی و اجتماعی و دیگری بُعد علمی و فرهنگی. مقصود از بُعد اول: این است که همه مسلمین، هر کجای دنیا زندگی می‌کنند و دارای هر زبان و رنگ و از هر قوم و نژادی که هستند، به اسم مصلحت عالی‌ه اسلامی در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار گیرند؛ پس غرض این نیست که سنی، شیعه شود یا شیعه، سنی گردد. البته برستی است که مسلمان باشد قبل از آن که سنی باشد، و بر شیعه است که مسلمان باشد، قبل از آن که شیعه باشد.

مقصود از بُعد دوم وحدت یعنی بُعد علمی و فرهنگی، همان تقریب بین مذاهب اسلامی است. تحقیق این پدیده منوط است به اجتماع اندیشمندان و فقهای بزرگ مذاهب که آگاه به آرا و نظرات همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل و اختلافات نظری در جوی سالم و آرام، صمیمی و به دور از تعصب، برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد علمی و کلامی... و نشر نتیجه بحث‌ها و مناظره‌ها برای پیروان مذاهب. (جناتی، ۱۳۸۱: ۵۰۱)

پس علاوه بر اتحاد در ابعاد سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی که ثمره آن، تحقق همبستگی و همدلی میان مسلمانان است، اتحاد در بُعد اعتقادی و کلامی نیز نقش مؤثری در وحدت بخشی جامعه اسلامی دارد. در منظومه باورهای اسلامی برخی از باورها همچون اعتقاد به خدا و قرآن و نبوت و رهبری و جانشینی پیامبر و اهل بیت به عنوان عوامل وحدت آفرین به صورت کلی معرفی شده‌اند، در این بخش، از اتحاد آموزه‌های اعتقادی که مورد قبول همه باورمندان اسلامی است، محور گفتمان میان اندیشوران و عموم مردم قرار می‌گیرد. از جمله آن باورها، مهدویت است. در موضوع مهدویت و مفاهیم هم‌سو با آن، نظیر انتظار، ظهور، حکومت جهانی، گسترش عدالت و... هر کدام، عاملی برای وحدت بخشی میان باورمندان به مهدویت است. بر این اساس، مقاله ابتدا به بیان و نقد نظریه یکی از دانشمندان اهل سنت که مدعی است «اندیشه مهدویت با نظریه هم‌گرایی همخوانی ندارد» پرداخته سپس در بخش دوم، به مهدویت و مفاهیم هم‌سو که نقشی بی‌بدیل و تاثیرگذار در اتحاد بخشی جامعه دارند، مبادرت ورزیده است.

### نظریه ابن خلدون و همگرایی

قبل از ورود به بحث، لازم است نظریه ابن خلدون که مدعی است (اندیشه مهدویت با

نظریه همگرایی ناهمخوان است) مورد کنکاش و امعان نظر قرار گیرد. او در جلد اول کتاب خود *العبر و دیوان المبتدأ والخبر* که به عنوان «مقدمه» نام‌گذاری شده است (قنوجی، ۱۴۱۶: ۳۴۵؛ محفوظ، ۱۳۷۳ش: ج ۲، ۲۲۱) مهدویت و احادیث مهدویت را به چالش کشیده است. ایشان در این کتاب در باب ۵۲ با عنوان «فی امر الفاطمی» به موضوع مهدویت پرداخته است.<sup>۱</sup> (نظریه در ادامه به تفصیل بیان شده است) او می‌گوید:

بدان! مشهور میان تمامی اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده که می‌باید در آخرالزمان مردی از اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کند که دین را یاری نموده، عدل را ظاهر می‌نماید... در این باره به روایاتی احتجاج می‌شود که پیشوایان گفته‌اند؛ اما منکران نیز در این باره سخن رانده‌اند و چه بسا با تمسک به اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده‌اند (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۵).

پرسش‌ها و اشکالاتی که در کلام ابن خلدون مطرح شده است، به طور کلی در دو قسم قابل بحث و پی‌گیری می‌باشد:

۱. ضعف روایات مهدوی و عدم شایستگی برای این که مبنای اعتقادات مسلمانان قرار گیرد.
۲. ناهمخوانی باور به مهدی منتظر، با نظریه‌ای که ابن خلدون برای چگونگی پیدایش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد که بر عصبیت و همگرایی استوار است.

### تحلیل نظر ابن خلدون

استناد به روایات ضعیف: اما در قسمت نخست اشکال، ابن خلدون بعد از طرح مطالبی درباره مهدویت، به اسناد روایات مهدویت که تعداد آن‌ها را بیست و سه مورد برشمرده، که غالب آن‌ها با اتهام ضعف سندی رو می‌کند و تعداد قلیلی از روایات را از نظر سند قابل قبول می‌داند ولی در ادامه همین مقدار را با قانون جرح و تعدیل رد می‌کند.

عملکرد دوگانه: ظاهراً ابن خلدون برای تحقیق و بررسی اخبار و شناخت روایات صحیح و ضعیف، از آگاهی کافی برخوردار نیست؛ زیرا به قواعد رجالی‌ای که فقیهان و محدثان به کار می‌گیرند، توجه ندارد؛ از این رو وی، درباره روایات به شیوه‌ای قضاوت کرده است که پیش‌تر، هیچ یک از پژوهشگران روایی، آن را انجام نداده‌اند. گذشته از این که راه‌های شناخته شده و ضوابطی که مورخان رعایت کرده‌اند (و ابن خلدون هم از آنان به شمار می‌آید) را در نظر نگرفته

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ۲۹۰.

است. افزون بر این خود به فراگیر بودن قاعده (تقدم جرح بر تعدیل در اسناد روایات) که برای پیرایش و تنقیح روایات گفته است، ملتزم نیست! روشن ترین دلیل آن است که او برای اثبات نظریه (نیاز حکومت به همگرایی عصبیت) خود روایت (ما بعث الله نبیا إلا فی منعة من قومه) را صحیح می داند در حالی که بنابر قاعده خود ساخته ابن خلدون، روایت فوق ضعیف می باشد و باید رد شود.

عدم یادآوری تمامی احادیث: پس از بیان اخبار مهدویت، ابن خلدون خواننده را به این اشتباه می اندازد که آنچه آورده، تمام یا بیشتر روایاتی است که محدثان گفته اند. وی می گوید: همه احادیث را در حد توان گردآوری کردیم (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۶).

اما وی جز بیست و هشت طریق، برای بیست و سه حدیث نیآورده است. همچنین روایاتی که در کتاب های مورد تاکید ابن خلدون آمده است و در آن ها از نام مهدی یا از عصر ظهور سخن گفته شده، بیش از پانصد روایت با سندهای گوناگون است.

وجود روایات صحیح: ابن خلدون در پایان ذکر اخبار، اعتراف می کند که بنابر مبنای خودش، برخی روایات، صحیح است:

این روایات - چنان که دیدیم - خالی از نقد نیست، مگر شمار اندکی (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۶).

حتی با در نظر گرفتن قاعده ای که وی برای صحت احادیث بر آن اعتماد دارد - یعنی تقدم جرح بر تعدیل - همین تعداد سندهای صحیح کافی است، تا این اخبار را از شمار آحاد بیرون آورده، آن ها را به حد تواتر برساند (العمیدی، ۱۳۷۴ق: ج ۹، ۲۳).

### دو ایراد به کلام ابن خلدون

#### الف) ایراد نقضی

قاعده ای که وی برای پژوهش و ارزیابی حدیث بدان معتقد است و جرح را بر تعدیل مقدم می دارد، به رد بسیاری از احادیث صحیح مسلم و بخاری خواهد انجامید؛ اما ابن خلدون این کار را قبول ندارد؛ از این رو کوشیده است این چالش را چنین حل کند و بگوید: روایات هر دو کتاب صحیح (صحیح مسلم و صحیح بخاری)، اجماعی بوده، همین برای جبران ضعف سند برای احادیث بخاری و مسلم کافی است (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۲۴۵).

#### ب) ایراد مبنایی

اگر مقصود وی آن است که هر چه اجماع مسلمانان باشد، مصون از اشتباه است، این امر به

طور گسترده در باور مهدویت - به طور ویژه در برخی روایات مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - وجود دارد؛ زیرا بسیاری از بزرگان و علمای اسلامی متواتر بودن اخبار مهدی را ادعا کرده‌اند. حتی برخی ادعا دارند تمام مسلمانان معتقدند این باور، از اجماع برخوردار است. شاید آنچه ابن خلدون در آغاز سخنش درباره (مهدی فاطمی) می‌گوید: (مشهور میان تمامی اهل اسلام در طی اعصار گذشته... اشاره به این اجماع باشد. بنابراین هیچ تفاوتی میان اخبار صحیح بخاری و مسلم با اخبار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جهت اجماع وجود ندارد؛ اما اگر مقصود ابن خلدون این باشد که باور به مهدی و احادیثی که در این باره است از اجماع برخوردار نمی‌باشند، گفته می‌شود سخنان وی برخلاف سخنان عالمانی است که در این باره مطلب نوشته‌اند. اینان از کسانی که درباره اندیشه مهدویت ادعای اجماع کرده‌اند یا کسانی که مدعی‌اند احادیث مهدویت متواتر است نام برده‌اند. در این باره نزدیک به سی تن از عالمان متخصص را می‌توان نام برد. (المقدم، ۱۴۲۳ق: ۱۳۰).

مثلاً صبان در *اسعاف الراغبین* (۱۴۰)، شبلنجی در *نور الابصار* (۱۴۲۷ق: ۱۵۵)، ابن حجر در *صواعق* (۹۹)، زینی دحلان در *فتوحات الاسلامیه* (۱۳۸۷ق: ج ۲، ۲۱۱)، برزنجی در *الاشاعه* (۱۴۲۵ق: ۲۴۱)، سویدی در *سبائك الذهب* (۱۴۱۵ق: ۷۸)، منصور علی ناصف در *الناج الجامع* (۱۳۸۱ق: ج ۵، ۳۶۲)، ابن حجر عسقلانی در *فتح الباری* (۱۴۲۸ق: ج ۵، ۳۸۲)، گنجی شافعی در *البيان* (۱۴۱۷ق: باب ۱۱، ۲۳۲) و... توجه این قبیل از اندیشمندان اهل سنت از اهتمام اعتقاد به مهدویت و متواتر بودن آن نزد آنان حکایت دارد.

بی‌شک بر حدیث‌شناسان روشن است وقتی در موضوعی ادعای تواتر می‌شود، دیگر لازم نیست به بحث سندی و رجالی آن موضوع پرداخته شود؛ از این رو وقتی درباره احادیث مهدویت از طرف علمای اهل سنت و شیعه ادعای تواتر شود، یقین‌آور بودن مهدویت به اثبات رسیده است و دیگر لازم نیست احادیث اثبات‌گر مهدویت را از لحاظ سندی مورد خدشه قرار دهیم.

### اشکال دوم ابن خلدون (عدم هم‌خوانی اندیشه مهدویت با نظریه همگرایی) و پاسخ آن

ابن خلدون، نظریه همگرایی را پایه و اساس شکل‌گیری حکومت‌ها و تداوم آن‌ها می‌داند. نظریه همگرایی او همان عصبيت است که خاستگاه نژادی و قومی دارد. وی پس از بیان این مطلب، اشاره می‌کند که اندیشه و باور به مهدی، با نظریه‌ای که پیش‌تر ارائه کرده است هم‌خوانی ندارد. وی هنگامی که از آبادی‌های نخستین و دولت‌ها و ملک و خلافت‌های فراگیر سخن گفته، بدین باور رسیده است که پیدایش دولت‌ها بر اساس نظریه عصبيت (همگرایی

قومی) است:

سخن و باور درستی که می‌بایست آن را بپذیری، این است که فراخوانی به دین یا حکومتی ممکن نیست، مگر آن‌که توان و قدرت همگرایی وجود داشته باشد، تا دین یا حکومت بتواند موفق شود و دیگران قادر باشند از آن دفاع کنند، تا خواست خداوند در این باره اجرا شود. پیشتر با دلایل قطعی که به تو نشان دادیم، چنین نظریه‌ای را استوار کردیم (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۱۳۶).

سپس نظریه خودساخته‌اش را با مسئله مهدویت تطبیق داده و تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی علیه السلام را بعید می‌شمارد:

عصبیت و همگرایی قومی فاطمیون (بلکه تمامی قریش) در آخرالزمان و در عصر ظهور در تمام سرزمین‌ها از بین رفته است و امت‌های دیگری وجود دارند که همگرایی آنان، برتر از همگرایی قومی قریش است. حتی اگر بپذیریم در حجاز (مکه، یمن و مدینه) هنوز مدعیان از قریش باشند... اگر ظهور مهدی درست باشد، دلیلی وجود ندارد که بتوان دعوت کند، مگر به واسطه همگرایی و عصبیت قریش، تا بدین وسیله خداوند دل‌هایشان را به هم پیوند زده، از مهدی پیروی کنند، تا وی بتواند شوکت و قدرت لازم را به دست آورد؛ اما در غیر این صورت، به دلایل درستی که برشمردیم... چنین کاری غیر ممکن است (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۱۲۸).

برای این‌که مقصود از به‌کارگیری نظریه عصبیت برای رد اندیشه مهدویت روشن شود، باید اصل نظریه ابن خلدون بیان گردد.

### عصبیت و گسترش محدوده آن

عصبیت، رابطه‌ای اجتماعی - روحی است که آگاهانه یا ناآگاهانه افراد معینی را به هم ربط می‌دهد و بر قرابت و نزدیکی مادی و معنوی استوار است. این ارتباط، مستمر است و هرگاه خطری پیش آید که افراد را به گونه‌ای شخصی یا گروهی تهدید کند، همبستگی آشکار شود و پیوند محکم‌تر گردد (الجابری، ۱۹۹۴م: ۲۴۵).

در آغاز همگرایی میان افراد، قبیله‌ای به وجود می‌آید که دارای نسبت واحدی هستند؛ اما گاه این محدوده تنگ، گسترش می‌یابد و نسبت‌هایی همچون دوستی و هم‌پیمانی با قبایل دیگر را در بر می‌گیرد که ارتباط نسبی با هم ندارند؛ بدین سبب، قبایل غالباً برای دفع این خطرها، دست به همبستگی می‌زنند و پیمان دوستی می‌بندند (الجابری، ۱۹۹۴م: ۱۱۲).



## نقد و بررسی

بی شك این نکته روشن است که همگرایی قومی و نژادی، همیشه دارای عملکرد مثبت برای تشکیل حکومت و دوام آن نیست؛ بلکه برخی مواقع برعکس می شود؛ یعنی همگرایی قومی، عامل منفی برای انقراض یا پای نگرفتن يك حکومت می گردد. برای اثبات این مسئله می توان به شواهد تاریخی و زندگی انبیای الهی پرداخت که از ناحیه ملیت و زندگی قوم خود، به شدت مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند.

شاهد این مطلب این است که نخستین کسانی که در پی شکست دادن رسول خدا ﷺ بر آمدند، قوم و عموزادگان پیامبر بودند؛ اما پیامبر به وسیله مسلمانانی بر آنان پیروز شد که پیش تر هیچ ارتباط و دوستی ای با رسول خدا ﷺ نداشتند، حتی در آغاز کار ارتباط سببی نیز وجود نداشت (شمس الدین، ۱۳۸۵ ش: ۴۰). همچنین قرآن از دیگر پیامبران سخن می گوید که از نزدیکان و خواص خود بدترین انواع اذیت و آزار را دیدند:

و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبر او را نافرمانی نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند (هود: ۱۱، ۵۹).

مثلاً درباره اذیت و آزار رسول خدا ﷺ توسط عمویش ابولهب، چنین نقل شده است:

طارق بن عبدالله محاربی گوید: روزی در محل کسب و کار بودم که دیدم رسول خدا ﷺ از بازار ذی المجاز می گذشت و لباسی سرخ بر تن داشت. شنیدم فرمود: ای مردم! بگوئید: لا اله الا الله، تا رستگار شوید؛ اما مردی در پی او بود که به طرف رسول خدا سنگ می انداخت در نتیجه پاهای رسول خدا خونین شده بود و می گفت: ای مردم! از سخن این شخص پیروی نکنید؛ زیرا دروغ گو است. پرسیدم: وی کیست که با سنگ بدو می زند؟ گفتند: عمویش عبدالعزی ابولهب فرزند عبدالمطلب است (بیهقی، ۱۴۱۶ ق: ج ۶، ۲۰۲۱).

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز هنگام ظهور، از ناحیه نژاد و قومیت خود که قریش و اعراب باشند مورد بی مهری قرار گرفته، به همین دلیل، حضرت با آنان به شدت برخورد می کند. امام صادق عليه السلام فرموده است:

هرگاه قائم قیام کرد، بین او و اعراب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی گیرد (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۳۴).<sup>۱</sup>

۱. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَكُنْ تَيْتَهُ وَ تَبْنَ الْعَرَبُ وَ قُرَيْشٌ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۳۴).

باز آن حضرت فرموده است:

حال شما چگونه است زمانی که یاران مهدی، خیمه‌ها را در مسجد کوفه برپا کنند و سپس مهدی برای مردم، برنامه‌ای نو براساس امری جدید ارائه دهد و برای اعراب سخت گیر می‌باشد؟ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹)<sup>۱</sup>

بنابراین، نظریه ابن خلدون درباره همگرایی عصبیت، نظریه جامع و کاملی نیست و نمی‌توان با آن نظریه، یک قاعده کلی درست کرد که در صورت فقدان آن، شکل‌گیری انقلاب و نهضت‌ها، همچنین استواری و تداوم آن‌ها را از بین ببرد.

### ارتباط نظریه همگرایی با انکار مهدویت

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، ابن خلدون با یاری جستن از نظریه‌ای که برای پیدایش دولت‌ها بیان کرده است، در پی انکار مهدویت و نقش آن در همگرایی است و اعتقاد دارد باورداشت مهدویت، با نظریه او که ادعا می‌کند محکم است و با دلیل و برهان ثابت شده، ناهمخوان است؛ زیرا این نظریه ثابت می‌کند هیچ جنبش یا انقلابی نمی‌تواند پیروز شود، مگر این‌که دارای همان همگرایی باشد؛ همگرایی‌ای که عامل بشری را برای انقلاب فراهم می‌آورد؛ زیرا مهم‌ترین عامل در تقویت همگرایی، حسب و نسب است. پیوند نسبی - چنان‌که در توضیح نظریه گفتیم - اساس همگرایی است. از این رو همگرایی نیازمند منتسبان به حسب و نسب واحدی است که آماده از جان گذشتگی در راهی می‌باشند که رهبر هم قبیله‌ای ایشان به آن فرمان می‌دهد. اگر چنین وضعی را بر مهدی فاطمی تطبیق دهیم، در خواهیم یافت هاشمیان و علویان (یعنی گروه فاطمیان که مهدی می‌تواند در قیامش به ایشان امید داشته باشد) قدرت‌شان از بین رفته و گروهشان از هم پاشیده و منقرض شده‌اند. دیگر کسی از آن‌ها در یک جا و یک عقیده باقی نمانده‌اند، مگر اندکی که برای جنبش و انقلاب به کار نمی‌آیند و نمی‌توانند گروهی توانمند را تشکیل دهند که مهدی بتواند برای قیام خویش به ایشان امیدوار باشد؛ چه رسد به این‌که بخواهد دولتی جهانگیر به دور از آفتی همچون ستم و فساد ایجاد کند (شمس‌الدین، ۱۳۸۵ش: ۲۶).

در پاسخ به اشکال ابن خلدون باید گفت: ابن خلدون، به میزان تاثیر دعوت دینی برای بنیان دولت‌ها و کارآیی ندای دینی اشاره می‌کند و فصل ویژه‌ای به این امر اختصاص داده و

۱. عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام أَنَّهُ قَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ صَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَسَاطِيطُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْتَفُ أَمْرٌ جَدِيدٌ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹).

توضیح می‌دهد که عامل دینی، بر توان و قدرت دولت می‌افزاید (همان‌گونه که همگرایی قومی تاثیرگذار است). در این باره به دستاوردهای فتوحات اسلامی اشاره می‌کند. شمار پیکارگران مسلمان در جنگ یرموک، سی هزار و اندی بود، در حالی که جنگجویان رومی، چهارصد هزار نفر بودند. و نیز در جنگ قادسیه، سپاهیان ایرانی حدود صد و پنجاه هزار نفر بودند؛ اما مسلمانان سی هزار نفر بودند که این همه قدرت، به سبب همگرایی دینی حاصل شده بود؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود و به نوعی با نظریه همگرایی عصبیت ابن خلدون هماهنگ است و از این طریق به نفی حکومت جهانی مهدویت می‌پردازد، مستقل نبودن دین و آموزه‌های دین، در ایجاد اتحاد و وحدت است. به تعبیر دیگر، از نظر ابن خلدون، همگرایی از منظر عصبیت (هم‌گرایی قومی، نژادی) دارای تأثیر مستقل است؛ ولی دین و آموزه‌های آن نظیر اندیشه مهدویت به طور مستقل نمی‌تواند همگرایی ایجاد کند؛ بلکه در کنار عصبیت دارای تاثیر می‌باشد؛ از این رو ابن خلدون در کتاب خویش فصلی را تحت عنوان (فی أنَّ الدَّعوةَ الدِّینیةَ مِنْ غَیرِ عَصَبِیَّةٍ لَا تُنْتَمِ) (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۱۲۶)؛ یعنی دعوت دینی بدون رابطه نژاد ممکن نیست، به این امر اختصاص داده، مهدویت را بدون عصبیت در ایجاد وحدت ناتوان قلمداد می‌کند.

پس نتیجه نظریه و دلیل ابن خلدون را چنین می‌توان بیان کرد: هر نهضت و قیام، زمانی به پیروزی و هدف می‌رسد که عوامل بیرونی نظیر عصبیت، دین و هم‌پیمانی و... آن را پشتیبانی کند. برخی عوامل فوق، نقش استقلالی دارند؛ نظیر عصبیت و بعضی دیگر، نقش تکمیلی دارند، نظیر دین، یعنی عصبیت به تنهایی توان همگرایی میان بنی آدم را دارد؛ اما مقوله دین به تنهایی نمی‌تواند همگرایی ایجاد نماید؛ بلکه در کنار عصبیت دارای تاثیر همگرایی است.

بر این اساس، وقتی نژاد و قومیت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الْمُرُوفِ که همان قریش، فاطمیون و علویان هستند، دارای جمعیت قابل توجهی نباشند، یکی از عوامل مهم همگرایی در مهدویت از میان رفته است؛ اما عامل دیگر نظیر دین که نقش تبعی و تکمیلی را دارد نمی‌تواند در نهضت و قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الْمُرُوفِ نقش همگرایی را ایفا کند؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که نهضت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الْمُرُوفِ، برای استیلاء بر جهان و تشکیل حکومت جهانی، غیر ممکن و به دور از منطق می‌باشد.

در پاسخ گفته می‌شود: چنان که گفته شد، تاریخ صدر اسلام، نمونه بارزی برای رد نظریه عصبیت ابن خلدون است؛ زیرا همگرایی‌ای که میان مردم صدر اسلام بود و سبب تقویت و

تعمیق اسلام پویا و نوبنیاد گردید، از ناحیه انصار حاصل شد که از قومیت و نژاد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبودند. اسلام، مدت زمان کوتاهی، در گستره و قلمرو وسیعی، گسترش یافت. و قریش و قومیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها حمایت و همراهی نکردند؛ بلکه در مقابل، با کارشکنی و توطئه، در صدد امحای دین اسلام نیز برآمدند. نیز در فرآیند تاریخ اسلام پیروزی های فراوان لشگریان اسلام که با قومیت و موقعیت مختلف جغرافیایی در کنار هم جمع شده بودند، و با جان فشانی تمام به دفاع از اسلام و کیان اسلامی می پرداختند و با نیروی قلیل بر عده و عده کثیر پیروز می شدند، همه از کارآمدی دین و آموزه های دینی در ایجاد همگرایی و اتحاد در جامعه اسلامی حکایت دارد؛ پس نمی توان نظریه ابن خلدون را درباره همگرایی پذیرفت.

### جایگاه مهدویت و نقش آن

اندیشه مهدویت، اندیشه ای فراگیر و فرامذهبی است و همه گروه های اسلامی بدان اعتقاد قلبی دارند؛ از این رو دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه، انکار امام مهدی و ظهور او را کفر و خروج از دین اسلام تلقی می کنند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: هرکس قائم از فرزندان مرا انکار کند، در واقع مرا انکار کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۱۲).<sup>۱</sup>

و نیز آن حضرت فرموده است:

هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۷۳).<sup>۲</sup>

همچنین در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است (مبارکفوری، ج ۶، ۴۰۲).<sup>۳</sup>

نیز فرموده است:

هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است (قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۲۹۵).<sup>۴</sup>

۱. عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من أنكر القائم من ولدي فقد أنكرني (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۱۲).  
 ۲. عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من أنكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهلية (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۷۳).  
 ۳. من كذب بالمهدي فقد كفر (مبارکفوری، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۶، ۴۰۲).  
 ۴. من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد (قندوزی، ينابيع الموده لذوی القربى، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۲۹۵، باب ۷۸، ج ۱).

روایات ذکر شده و امثال آن‌ها، در منابع روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است که همه آن‌ها از اهمیت و خطیر بودن اندیشه مهدویت از منظر مسلمانان حکایت دارد.

### پاسخ مرکز وهابی رابطه العالم الاسلامی به پرسش مهدوی

برای اثبات جایگاه مهدویت و اعتقادی بودن آن از منظر اهل سنت، به پاسخ رابطه العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابی‌ها، به پرسش يك مسلمان ستی از اهالی کنیا درباره (جایگاه مهدی منتظر، زمان ظهور، مکانی که حضرت ظهور می‌فرماید و مسائل دیگر مهدویت) اشاره می‌کنیم:

مهدی، محمد بن عبدالله حسنی، علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی، آخرالزمان است و ظهورش از نشانه‌های قیامت می‌باشد. از غرب ظاهر می‌شود و در حجاز در مکه مکرمه بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند.

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد ظهور می‌کند و زمین را از عدل و داد پُر می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ستم پُر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان برابر او سر تعظیم فرو خواهند آورد. همگی تسلیم وی خواهند شد؛ یا به میل و دلخواه یا با نبرد. او تمام روی زمین را مالک خواهد شد و عیسی ع بعد از ظهور او، از آسمان فرود می‌آید و دجال را می‌کشد یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می‌آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر دروازه «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می‌دهد.

مهدی آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آن‌ها خبر داده است و در منابع اهل سنت آمده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه از شخص پیامبر اکرم ص نقل کرده‌اند که از جمله آنها است: عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحه بن عبید الله، عبد الرحمان بن عوف، عبد الله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و ام سلمه.

این‌ها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی را نقل کرده‌اند. غیر از این‌ها، افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده است که در آنها، به ظهور مهدی تصریح شده است و آنها را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مسئله ظهور مهدی از مسائلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر از شخص رسول اکرم ﷺ نقل شده و آنچه صحابه پیامبر با اعتماد به گفته رسول خدا بیان کرده‌اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است) در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از جمله آنها است: سنن ابو داوود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابو عمر الدانی، مسند احمد، ابی یعلی و بزاز، صحیح حاکم، معاجم طبرانی، رویانی، دارقطنی و ابونعیم در کتاب اخبار المهدی و خطیب در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر این‌ها.

بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی کتاب‌های ویژه‌ای نوشته‌اند که از آن جمله است: ابونعیم در کتاب *اخبار المهدی*، ابن حجر هیثمی در کتاب *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، شوکانی در کتاب *التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر والدجال و المسیح*، ادريس عراقی مغربی در کتاب *المهدی*، ابوالعباس بن عبدالؤمن مغربی در کتاب *الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون*. آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی متواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست)؛ از آن جمله است: سخاوی در کتاب *فتح المعیث*، محمد بن احمد سفارینی در کتاب *شرح العقیده*، ابوالحسن آبری در کتاب *مناقب الشافعی*، ابن تیمیه در کتاب *فتاوا*، سیوطی در کتاب *الحاوی*، ادريس عراقی در تألیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب *التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر والدجال و المسیح*، محمد بن جعفر کنانی در *النظم المتناثر فی الحدیث المتواتر و ابوالعباس بن عبدالؤمن* در کتاب *الوهم المکنون من کلام ابن خلدون*.

این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی را با احادیثی مجعول و ساختگی و بی‌اساس که می‌گوید: «مهدی ای نیست، جز عیسی» مورد ایراد قرار داده است؛ ولی بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد کرده‌اند؛ به خصوص ابن عبدالؤمن که در رد گفتار او کتاب ویژه‌ای به نام *الوهم المکنون من کلام ابن خلدون* نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی شامل احادیث صحیح و حسن است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است؛ بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمان واجب است و از عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی‌اطلاع از اسلام و بدعت‌گذار منکر آن نخواهد بود

(هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰ش: ۱۲۵).

با توجه با پاسخ مرکز الرابطة العالم الاسلامی دو نکته قابل ذکر است:  
۱. با این که وهابیان از تندروترین گروه های اسلامی اهل سنت به شمار می روند، مسئله مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را پذیرفته و با سایر فرق مسلمانان در این خصوص، مشترکند، نیز به طور جدی از آن دفاع می کنند و آن را از عقاید رسمی خود تلقی می نمایند.

۲. غیر از مطالبی که در صدر پاسخ بیان شده و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را فرزند عبدالله خطاب کرده است، بقیه مطالب در بیانیه مرکز الرابطة العالم الاسلامی در راستای اعتقادات گروه های دیگر اسلامی، از جمله مذهب تشیع می باشد.

از مواردی که مهم بودن باورداشت مهدویت از میان منظومه معارف اسلامی را نشان می دهد، تلاش و جدیت علمای اسلامی در طول تاریخ اسلامی است که برای حفظ و صیانت اندیشه مهدویت و انتقال آن به نسل های بعد، کتاب ها و تألیفات مستقلاً پدید آورده اند.<sup>۱</sup> تألیفات اندیش وران اهل سنت در این باره فراوان است که در واقع، همه آنها از مهم بودن اندیشه مهدویت از منظر ایشان حکایت دارد.<sup>۲</sup>

### مؤلفه های همگرایی در باورداشت مهدویت

علاوه بر این که اصل باورداشت مهدویت عامل مؤثر و قوی برای اتحاد و همگرایی میان باورمندان به مهدوی است، معارف و آموزه های مهدویت نیز عامل مهمی در ایجاد اتحاد در میان مسلمانان به شمار می آیند.

آموزه های همگرایی مهدویت که همه فرقه های اسلامی در قبول آنها اتفاق نظر دارند، به صورت اختصار به قرار ذیل می باشد:

۱. کتاب هایی چون: ۱. اكمال الدين و اتمام النعمة، تالیف شیخ صدوق. ۲. الغیبة، تالیف محمد ابن ابراهیم نعمانی. ۳. الوجیزة فی الغیبة، تالیف سید مرتضی علم الهدی. ۴. کتاب الغیبة، تالیف شیخ طوسی. ۵. الملاحم والفتن، تالیف سید بن طاووس. ۶. اعلام الوری، تالیف امین الاسلام طبری. ۷. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، تالیف سید هاشم بحرانی. ۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، تالیف محمد باقر مجلسی. ۹. اثبات الهداة، تالیف شیخ حر عاملی. و ده ها کتاب دیگر که برای اختصار، از ذکر آنها صرف نظر می کنیم.

۱۰. ۱. بیان عن اخبار صاحب الزمان، تالیف ابن مغازلی شافعی. ۲. بیان فی اخبار صاحب الزمان، تالیف حافظ کنجی شافعی. ۳. عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر، تالیف یوسف بن یحیی مقدسی شافعی. ۴. احوال صاحب الزمان، تالیف شیخ سعدالدین حموی. ۵. المهدي، تالیف ابن قیم جوزی. ۶. العرف الوردی فی اخبار المهدي، تالیف حافظ جلال الدین سیوطی. ۷. القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تالیف ابن حجر مکی. ۸. البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان، تالیف علی متقی هندی. ۹. فوائد الفكر فی الامام المهدي المنتظر، تالیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی.

۱. آخرین خلیفه بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف؛
۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و شاخصه های او؛
۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نسب او؛
۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حتمیت ظهور او؛
۵. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و معجزات او؛
۶. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و میراث داری او؛
۷. م مهدون و زمینه سازان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف (سید خراسانی، یمانی و...)
۸. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و یاران خاص؛
۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و مبارزه با دجال؛
۱۰. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حکومت جهانی؛
۱۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و گسترش عدالت جهانی؛
۱۲. حاکمیت و فراگیری جهانی اسلام در دولت مهدوی؛
۱۳. نزول حضرت عیسی بعد از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف؛
۱۴. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و اشراف الساعه؛
۱۵. دولت امام مهدی آخرین دولت اسلامی.

موارد فوق، نمونه هایی از مؤلفه های همگرایی در عرصه مهدویت می باشد. البته علاوه بر آن ها موارد دیگری نیز وجود دارند؛ ولی برای اختصار به همان موارد فوق الذکر اکتفا می کنیم. بی شک مهدویت و آموزه های آن، نقش مهم و خطیری در فراهم کردن بسترهای همگرایی میان مهدی باوران دارند؛ زیرا وقتی يك باور و آموزه های آن، مورد قبول و اعتقاد گروه های مختلف باشد، به طور قهری گروه های مختلف به محوریت آن التزام پیدا کرده و براساس آن، به جهت دهی و سازمان دهی جامعه همت می گمارند. هر آن چه آن باور در جامعه پیرنگ تر بوده و مردم بیشتر به آن اعتقاد بورزند، اتحاد و همگرایی میان آن ها پیرنگ تر خواهد شد. برای روشن شدن نقش باورهای مشترك مهدویت در فراهم کردن بسترهای اتحاد و همگرایی به تفصیل برخی از آموزه های مشترك مهدویت در میان مسلمانان که پیش تر، به اختصار بیان شد، خواهیم پرداخت:

#### ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حتمیت آن

از جمله باورهای همگرا در اندیشه مهدویت که مورد اذعان و باور همه مسلمانان است، مسئله ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حتمیت آن می باشد. روایات فراوانی که در منابع حدیثی و



تاریخی اهل سنت و شیعه آمده است از فراگیری اعتقاد به مسئله ظهور میان مسلمانان حکایت دارد.

ترمذی در کتاب سنن از ابوهیریه به نقل از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است:

اگر به پایان دنیا جز يك روز باقی نماند، خداوند، آن روز را به حدی طولانی می‌سازد، تا مردی از اهل بیت من که هم‌نام من است، زمام امور را به دست گیرد(ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۳۴۳).<sup>۱</sup>

همچنین در منابع شیعه درباره ظهور و حتمیت آن از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

قیامت برپا نمی‌شود، تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند، و این، هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش بدهد(خرزاقمی، ۱۴۰۱ق: ۱۰۶).<sup>۲</sup>

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیز در این باره چنین نقل شده است:

قیام قائم ما از وعده‌های حتمی خداوند است. هر کس در این که می‌گویم شك و تردید به خود راه بدهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد(علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴، ۲۴۱).<sup>۳</sup>

#### نسب و نژاد امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

از جمله مسائل و موضوعات مؤثر در مهدویت که موجب همگرایی در عرصه مهدویت میان اهل سنت و شیعه می‌شود، نسب و نژاد امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است. در این باره که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از نژاد قریش بوده و از لحاظ نسب اجدادی به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌رسد، میان همه فرقه‌های اسلامی هماهنگی وجود دارد.

در مستند احمد از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره نژاد امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام چنین نقل شده است:

بشارت باد شما را به مهدی! او مردی از قریش و از عترت من است (احمدبن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷).<sup>۴</sup>

ام سلمه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

مهدی حقیقت دارد و او از فرزندان فاطمه است(بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۳۴۶).<sup>۵</sup>

۱. لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ حَقٌّ مِنَّا وَ ذَلِكَ جِئِن بَأْذَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ...

۳. مِنَ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامَ قَائِمِنَا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ كَافِرٌ بِهِ وَ جَاحِدٌ لَهُ.

۴. أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ، رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ، مِنْ عَتْرَتِي.

۵. المهدی حق و هو من ولد فاطمه.

در کتاب الغیبه از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۵).<sup>۱</sup>

### امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و معجزات

از آن جا که رسالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف جهانی است و نتیجه بخش رسالت همه انبیا در طول تاریخ بشریت می باشد. آن حضرت، برای پیشبرد اهداف جهانی خود به اعجاز و نیروهای ماورایی نیاز دارد. بر این اساس، استفاده آن بزرگوار، از اعجاز همه انبیا و بهره بردن او از موارث انبیا و همچنین حضور برخی انبیا در هنگام ظهور و مشارکت آنها در تحقق حکومت جهانی، قابل توجیه است. صدور اعجاز از ناحیه امام مهدی که يك موضوع مشترك میان اهل سنت و شیعه بوده و در منابع هر دو گروه مهم اسلامی آمده، سوژه مناسبی برای زمینه سازی اتحاد در میان مسلمانان به شمار می آید.

در منابع اهل سنت از قول پیامبر اکرم ص آمده است:

مهدی در حالی قیام می کند که ابری بالای سرش حرکت کرده و در آن، منادی ای صدا می زند: این، مهدی است، خلیفه خدا است؛ از او پیروی کنید (ذهبی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۷۹).<sup>۲</sup>

در منابع شیعه از قول رسول خدا ص درباره اعجاز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است:

اگر از دنیا جز يك روز باقی نباشد، خداوند آن روز را قدری طولانی می کند که مردی از اهل بیت من، جهان را مالک می شود و معجزات به دست او آشکار می گردد (إربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۲).<sup>۳</sup>

### نشانه های ظهور

رخداد ظهور به سبب مهم بودن، دارای نشانه هایی است که قبل از وقوع، آن نشانه ها یکی یکی تحقق پیدا می کنند. موضوع نشانمند بودن ظهور، نه تنها مورد قبول همه مهدی باوران است، بلکه مورد قبول موعود باوران (غیر مسلمانان) نیز می باشد؛ یعنی هر آیین و دینی که به آمدن منجی اعتقاد دارد، برای ظهور او يك سری علایم و نشانه هایی را بر می شمارد. مسلمانان، یعنی همه گروه های اسلامی که به آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اعتقاد دارند برای ظهور او يك سری علایم و نشانه ها را قرار می دهند که مورد اتفاق و هماهنگی همه گروه ها می باشد. بر این

۱. وَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَدِّ فَاطِمَةَ ...

۲. يخرج المهدي على راسه غمامة، فيها مناد ينادي: هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه.

۳. لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَأِحْمُ عَلَى يَدَيْهِ.

اساس، می‌توان در این باره زمینه‌های همگرایی را مطرح کرد و موضوع فوق را بستر اتحاد و هماهنگی میان مسلمانان قرار داد.

در مسند طرابلسی از قول رسول خدا ﷺ آمده است:

به انجام کارها بپردازید، قبل از آن که شش نشانه (ظهور) رخ دهد: طلوع خورشید از ناحیه مغرب، دجال، دود، دابة الارض و... (طرابلسی، ۱۴۲۵ق: ۲۳۲).<sup>۱</sup>

در منابع شیعه چنین آمده است:

ابو حمزه ثمالی گوید: به امام باقر ع عرض کردم: آمدن سفیانی از نشانه‌های حتمی است؟ فرمود: آری، و صدای آسمانی حتمی است، و طلوع خورشید از مغرب حتمی است، و اختلاف بنی عباس در سلطنت حتمی است، و کشته شدن نفس زکیه حتمی است، و خروج حضرت قائم آل محمد ع حتمی است (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۱).<sup>۲</sup>

#### زمینه‌سازان ظهور (ممهّدون)

وجود ممهّدون و زمینه‌سازان ظهور قبل از تحقق آن، مورد قبول اهل سنت و شیعه است. به بیان دیگر، در باورداشت همه گروه‌های اسلامی ظهور، امری دفعی و تصادفی تلقی نمی‌شود؛ بلکه واقعه‌ای است که با بسترسازی و تمهیدات که توسط ممهّدون شکل می‌گیرد و به صورت تدریجی رخ می‌نماید. بر این اساس، قیام‌های قبل از ظهور که به قیام امام مهدی ع منتهی می‌شود و در منابع اهل سنت و شیعه آمده، قابل توجیه است. در تفسیر مجمع البیان آمده است که رسول خدا ص بعد از تلاوت آیه ۱۸۱ سوره اعراف<sup>۳</sup> فرموده است:

همانا از امت من، گروهی پیوسته بر محور حق دور می‌زنند، تا عیسی از آسمان نازل شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۷۷۳).<sup>۴</sup>

حضرت امام محمد باقر ع می‌فرماید:

گروهی از مشرق برای دست‌یابی به حق قیام می‌کنند؛ ولی به آن نمی‌رسند. بار دیگر قیام خود را آغاز می‌کنند، باز به آن نمی‌رسند. در این صورت با اسلحه به قیام خود

۱. بادروا بالاعمال ستاً: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الدخان و دابة الارض... .

۲. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمُخْتَوْمِ قَالَ نَعَمْ وَ الْبِدَاءُ مِنَ الْمُخْتَوْمِ وَ طُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مَخْتَوْمٌ وَ اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مَخْتَوْمٌ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِيَّةِ مَخْتَوْمٌ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ مَخْتَوْمٌ.

۳. وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدِلُونَ؛ و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می‌کنند، و بحق اجرای عدالت می‌نمایند. (الأعراف: ۱۸۱).

۴. قال الربيع بن أنس قرأ النبي ص هذه الآية فقال إن من أمتي قوما على الحق حتى ينزل عيسى بن مريم.

ادامه داده و به هدف و خواسته خود می‌رسند؛ ولی این مقدار را قبول نکرده، به قیام ادامه می‌دهند، تا این که نهضت خود را به صاحبشان (حضرت مهدی) می‌رسانند. کشته‌هایشان، شهید حساب می‌شوند؛ اگر آن زمان را درک کنم، خود را وقف صاحب آن قیام (امام مهدی) می‌کنم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷).<sup>۱</sup>

در سنن الدانی از جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند:

گروهی از امت من، پیوسته در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این که مهدی ظهور کند (عثمان الدانی، ۱۴۱۶: ۱۲۳۰).<sup>۲</sup>

نیز آن حضرت فرموده است:

گروهی که پرچم‌های سیاه دارند از طرف مشرق قیام می‌کنند؛ دو یا سه بار در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این که به پیروزی می‌رسند، بعد از پیروزی، باز به مبارزه ادامه می‌دهند، تا این که پرچم را به دست مردی از اهل بیت من می‌رسانند. پس ایشان جهان را پراز عدل می‌کنند؛ چنان که پراز ظلم شده بود (ابن کثیر، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۳۱۱).<sup>۳</sup>

## نتیجه‌گیری

مقوله اتحاد و همگرایی بر اساس داده‌های عقلی، فطری، انسانی و دینی توجیه پذیر است؛ یعنی عقل، فطرت، انسانیت و دین، ضرورت اتحاد و همگرایی را رصد کرده و به اثبات آن همت می‌گمارد. بر این اساس، نمی‌توان جامعه بشری را منهای اتحاد و اتحاد را در بستری جز جامعه تصور کرد؛ پس رابطه میان جامعه و مقوله اتحاد، رابطه علی و معلولی می‌باشد و رابطه علی و معلولی که همان رابطه تکوینی است، بر اساس واقعیت خارجی ترسیم می‌شود، نه بر محور رابطه اعتباری و قراردادی. از این رهگذر، به سبب اهمیت و ضرورت همگرایی و تأثیرگذاری آن در پیشرفت و ترقی بشر و جوامع بشری از حیث مادی و معنوی، صاحبان مکاتب الهی و توحیدی، به مسئله همگرایی و تحقق آن بین انسان‌ها - به ویژه در میان انسان‌های باورمند به ادیان الهی - اهتمام جدی داشته و برای اجرای آن، از هیچ تلاش و

۱. عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَىٰ عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّىٰ يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَقْبَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

۲. لاتزال طائفة من أمتي تقاتل عن الحق حتى... ينزل المهدي.

۳. یاتی قوم من هاهنا، من نحو المشرق، اصحاب رایات سود، یسالون الحق فلا یعطونه، مرتین او ثلاثا فیقاتلون فینصرون، فیعطون ماسالوا فلا یقبلوها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی، فیملها عدلا کما ملوها ظلما... .

کوششی فروگذار نکرده‌اند.

در این میان، نقش آخرین دین الهی یعنی اسلام که جامع‌ترین و کامل‌ترین دین آسمانی است، نقش انحصاری و بی‌بدیل است. در جای جای متون اسلامی - اعم از آموزه‌های فردی و اجتماعی - ردپای اتحاد و همگرایی نمایان است. اسلام، نه تنها به باورمندان اسلامی، توصیه به اتحاد و هم‌دلی می‌کند:

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.<sup>۱</sup>

در حقیقت، این امت شما است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا دارید.<sup>۲</sup>

به ادیان دیگر نظیر مسیحیت و یهودیت نیز اتحاد با مسلمانان را توصیه کرده و آنان را به اتحاد بر محورهای اصلی‌ترین باورهای دینی، یعنی خداشناسی و یکتاپرستی، فرا می‌خواند: بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...<sup>۳</sup>

در اسلام و فرهنگ اسلامی، وجود آموزه‌های هم‌گرا و وحدت‌آفرین که تعداد آن، بسیار است، رسالت باورمندان به اسلام - به ویژه عالمان و اندیش‌وران اسلامی - را برای تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان و جوامع اسلامی دو چندان می‌کند.

بر این اساس، می‌تواند اندیشمندان و فرهیختگان دینی برای فرصت‌سازی در راستای فرهنگ‌سازی همگرایی، میان مسلمانان، از آموزه‌های همگرایی (آموزه‌های اصلی نظیر خدا، قرآن، رسالت، مهدویت، و... و آموزه‌های فرعی نظیر، نماز، حج و...) برای نیل به جامعه مطلوب اسلامی بهره کافی ببرند.

میان آموزه‌های هم‌گرا، نقش آموزه‌های مهدویت، بی‌بدیل و ویژه است؛ زیرا باورداشت مهدویت، یک باور فرامذهبی بوده، مورد قبول همه گروه‌های اسلامی می‌باشد؛ از این رو می‌توان با دست‌مایه قرار دادن مهدویت، و با ترویج و اشاعه آن میان مسلمانان، اتحاد و همدلی را میان جوامع اسلامی اجرائی و عملیاتی کرد که ثمره آن، سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی است که همان جامعه مهدوی می‌باشد.

۱. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).

۲. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (المؤمنون: ۵۲).

۳. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً» (آل عمران: ۶۴).

## منابع

قرآن كريم

نهج البلاغه

- ابن ابى الحديد، ابو حامد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، دار احياء الكتب العربية، قاهره، ١٣٧٨ ق.
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، دار الفكر، بيروت، ١٤٢٨ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، دار صادر، بيروت، بى تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، العبر: تاريخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آيتى، وزارت فرهنگ و آموزش على، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى، ١٣٦٣ ش.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، مقدمه ابن خلدون، دار الفكر، بيروت، ١٤٣٢ ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، النهاية او الفتن والملامح، دار الكتب الحديثه، ١٣٨٩ ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، دار الفكر، ١٤٠٧ ق.
- برزنجى، محمد بن رسول، الاشاعه لأشراط الساعة، المكتبة العصريه، بيروت، ١٤٢٥ ق.
- بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، دار الفكر، لبنان، ١٤١٦ ق.
- الترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح (سنن الترمذى)، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، دوم، ١٤٠٣ ق.
- الجابرى، محمد عابد، فكر ابن خلدون: العصبية والدولة: معالم نظرية خلدونية فى التاريخ الاسلامى، مركز دراسات الوحدة العربيه، ششم، ١٩٩٤ م.
- جناتى، محمد ابراهيم، همبستگى اديان و مذاهب اسلامى، نشر انصاريان، قم، ١٣٨١.
- خزاز قمى، على بن محمد، كفاية الأثر، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ ق.
- الدانى، عثمان بن سعيد، السنن الواردة فى الفتن وغوائلها والساعة واشراطها، دارالعاصمه، مباركفوزى، رضا الله بن محمد، رياض، ١٤١٦ ق.
- دحلان، أحمد زينى، الفتوحات الاسلاميه بعد مضى الفتوحات النبويه، مؤسسه الحلبي و شركاء، قاهره، ١٣٨٧ ق.
- سويدى، محمد امين، سبائك الذهب فى معرفة قبائل العرب، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٥ ق.
- شبلنجى، مؤمن بن حسن، نور الابصار فى مناقب آل بيت النبى المختار ﷺ، دار الفكر، قاهره،

سنة ١٤٢٨

سال دوازدهم، شماره ٤٧، پاييز ١٣٩٧

١٥٤

- ۱۴۲۷ق.
- شمس الدین، زین العابدین، شبهات مهدوی دوران ما (نقدی بر نظریه همگرایی ابن خلدون)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.
- صبان، محمد بن علی، اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهیرین، دارالمیراث النبوی، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۹۵ق.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق، التاریخ المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والاول، مكتبة دارالسلام، ریاض، ۱۴۱۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ش.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الأمالی للطوسی، تحقیق مؤسسه البعثه، دارالثقافه، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، الغیبة، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، تهذیب الأحکام، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- العمیدی، ثامر هاشم حبیب، دفاع عن الکافی: دراسة نقدية مقارنة لأهم الطعون والشبهات المثارة حول کتاب الکافی للشیخ الكلینی، مرکز الغدير للدراسات الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴ق.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، دارالأسوه، ۱۴۲۲ق.
- گنجی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه، دارالتعاريف للمطبوعات، قم، ۱۴۱۷ق.
- مبارکفوری، محمد عبدالرحمن تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- مجلسی، محمد تقی، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ق.
- محفوظ، محمد، تراجم المؤلفین التونسيین، دارالغرب الإسلامی، بیروت، ۱۳۷۳ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، اول، ۱۴۱۳ق.
- المقدم، محمد احمد اسماعیل، المهدي وفقه اشراط الساعة، دارالعالمیه، مصر، ۱۴۲۳ق.
- ناصف، منصور علی، التاج الجامع للاصول فی أحادیث الرسول صلى الله عليه وآله، احیاء التراث الإسلامیه،

- بیروت، ۱۳۸۱ق .
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق .
  - هاشمی شهیدی، سیداسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰ش .
  - هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و كمره ای، محمدباقر، محقق و مصحح: میانجی، ابراهیم، مكتبة الإسلامية، تهران، چهارم، ۱۴۰۰ق .